



## عقدنامه‌ای از عهد مظفری

علی مصریان (عضو هیئت علمی فرهنگستان زبان و ادب فارسی)

در پژوهش‌های تاریخی و سندشناختی، عقدنامه‌ها از اسناد معتبر و درخور اعتنا به شمار می‌آیند. عقدنامه نوعی سند شرعی است که علاوه بر محتوای حقوقی، اطلاعات مفید فرهنگی-اجتماعی، تاریخی، ادبی و هنری را در بطن خود نهفته دارد. تعلق عقدنامه‌ها به همه طبقات جامعه، اعم از شهری و روستایی، حیطه اطلاعاتی این اسناد خانوادگی را گسترده کرده است تا آنجا که، دامنه آن، از سویی، به حوزه‌هایی همچون اندیشه و نظام فکری حاکم بر جامعه، قراردادها، طبقات و مناسبات اجتماعی، راه و رسم زندگی، وجوه معیشتی، حقوق خانواده و همسرگزینی، زناشویی و مذهب، مطالعات درباره زنان، تبارشناسی یا نسب‌نامه‌نویسی کشیده می‌شود و از سوی دیگر، موضوعات متنوعی چون واحد پول و شمارش، مقیاس و اوزان، ارزش ملک و کالا، معماری، لوازم زندگی، عناوین و القاب، مشاغل و مناصب، سجع مَهرها، اسامی کوی‌ها و آبادی‌ها و نام ساکنان و مالکان آنها را در برهه‌هایی از تاریخ دربر می‌گیرد. از بُعد حقوقی و ادبی نیز، سیاق انشاء و کتابت منحصر به این اسناد و، از منظر زیباشناسی و نفاست هنری، در بسیاری نمونه‌ها، خط و تذهیب و دیگر آرایه‌های هنری به کار رفته در عقدنامه‌های قدیم همچنان در خور توجه است.

بدین لحاظ، یکایک این اسناد در حکم منابع دست‌اولی هستند که هم در توصیف و تحلیل هدفدار و روشمند مطالعات میان‌رشته‌ای — جامعه‌شناسی حقوقی و جامعه‌شناسی خانواده — به کار می‌آیند و هم چشم‌انداز تازه‌ای را پیش روی مردم‌شناسان، اقتصاددانان، زبان‌شناسان، سگه‌شناسان، هنرشناسان و مؤلفان و محققان تاریخ اجتماعی می‌گشایند. با استخراج داده‌ها و کندوکاوهای موشکافانه در لابه‌لای عقدنامه‌ها بسیاری از ناشناخته‌های حیات اجتماعی قرون پیشین و سیر تحوّل آنها تا به امروز بر ما آشکار می‌شود و، از این رهگذر، نقش عمده این اسناد در بازشناسی تاریخ و فرهنگ اقوام برجسته می‌گردد.

### معرفی عقدنامه با شرح مختصر متن

عقدنامه‌ای که در این مقاله معرفی می‌شود، به سال ۱۳۲۰ قمری در هفتمین سال سلطنت مظفرالدین شاه قاجار (۱۳۱۳-۱۳۲۴ق) منعقد گردیده و صدو هجده سال قمری قدمت دارد<sup>۱</sup>.

سطور آغازین این قبالة ازدواج، بنا به رسم متداول زمان، با تسمیه سپس تحمیدیه (حمد و سپاس باری تعالی) گشوده شده است. پس از دیباچه‌ای کوتاه به فارسی ادبی، خطبه عقد که مزین و مستند به شش آیه قرآن و دو حدیث قدسی نبوی مرتبط با موضوع است آمده است. تأکید بر رسالت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ولایت بلا فصل امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام و آل او، پس از آن، سخن معروف رسول اکرم در اهمیت ازدواج و تشویق به آن گنجانده شده است.

انتخاب روزی خوش‌یمن و ساعتی سعد برای وقوع عقد مهم تلقی می‌شده است. با توجه به تاریخ این عقدنامه، مراسم عقد، به احتمال، در روز عید سعید غدیر خم برگزار شده است. در ادامه، زوجین با القاب مرسوم و متعارف زمان و پدران آنان نیز با عناوین محترمانه و متداول دوران با ذکر شغل و جایگاه اجتماعی و تعلق زادگاهی آنان معرفی شده‌اند. علاوه بر آن، به ضرورت حقوقی و عرفی در این نوع اسناد، بر فضایل زوجه

(۱) اصل این عقدنامه متعلق به یکی از بستگان نگارنده و نزد او محفوظ است.

حاکمی از پاکدامنی و صفات پسندیده اخلاقی او اشاره رفته و بر رشد کامل عقلی و جسمی او نیز تأکید شده است.

آنگاه نوبت به صداق می‌رسد که میزان و نوع آن و ملاحظات مربوط به آن به زبان حقوقی مرسوم و به‌دقت و روشنی قید می‌گردد. چنانکه، در عقدنامه حاضر، ذیل سطر ۳۸، اعداد و ارقام هم به حروف و هم به خط سیاق نوشته شده‌اند. حواشی دو صفحه آخر عقدنامه به دستخط و مهر شهود اختصاص دارد. در سطر پایانی (سطر ۴۷) نیز، تاریخ عقد ازدواج به‌دقت به سال قمری ثبت شده و مهر زوج نیز در ذیل همین سطر جای گرفته است. به‌گواهی متن، زوجین از حیث منزلت خانوادگی، همشأن و از صنف تجار و قشر مرفه جامعه‌اند. افزون بر آن، جنبه هنری این سند در جنب میزان مهریه عروس نمودار پایگاه اجتماعی آنان است.

در ظهر عقدنامه نیز مصالحه‌نامه‌ای مورخ ۱۳۳۱ق با حواشی و مهرهای متعدد درج و ثبت شده است. (← بخش «مصالحه‌نامه پشت عقدنامه»)

### مشخصات عقدنامه و آرایه‌ها

عقدنامه‌ها سابقاً به دو صورت «طوماری / لوله‌ای / تک‌برگی» یا «کتابچه‌ای» بوده است. قبالة عقد کتابچه‌ای در اواخر قرن سیزدهم قمری مرسوم شد و تا اوایل قرن چهاردهم قمری متداول ماند. (← در منابع، قبالة‌های ازدواج سده‌های سیزدهم و چهاردهم هجری قمری، ص ۴۲، ستون ۲)

عقدنامه حاضر از نوع «کتابچه‌ای» به قطع ۲۵×۱۶ سانتیمتر در شش برگ (دو صفحه بیاض) و ده صفحه است. جز صفحه اول سه سطر و صفحه آخر چهار سطر، دیگر صفحات پنج سطر است. هریک از سطرها در آذینه‌های قاب‌مانند به طول ۸/۵ سانتیمتر و پهنای ۲/۵ سانتیمتر نگاشته شده‌اند و فواصل میان سطری کتبه‌ها با جدول‌کشی‌های طلایی طولی و عرضی به پهنای هفت میلیمتر از یکدیگر جدا شده‌اند. سطور آغازین عقدنامه به قلم نستعلیق است امّا، در جای‌جای متن، به انواع دیگر خطوط از جمله ثلث و شکسته‌نستعلیق خوش، متناسب با محتوا و عموماً با مرکب مشکی بر روی کاغذ زردرنگ (نخودی) کتابت شده است. با این حال، قدرت قلم‌کاتب

در همه انواع خطوط از استحکام یکسان برخوردار نیست چه بسا هر بخش به قلم کاتبی باشد. در این عقدنامه، همچون دیگر عقدنامه‌ها و اسناد مشابه، هویت خوشنویس و تذهیب‌کار نامعلوم مانده است.

جلد عقدنامه افتاده و پیشانی صفحه اول که محل سرلوح است آسیب فراوان دیده و اگر تسمیه‌ای همچون «هوالْمُؤَلَّفُ بَيْنَ الْقُلُوبِ» و نظایر آن هم داشته از بین رفته است. شکستگی طولی کاغذ این صفحه را دو نیم کرده که نیاز به مرمت دارد اما، خوشبختانه، متن سالم و خوانا است.

حاشیه مذهب، که با نقوش تزیینی طلاکاری شده است، در طرفین ۳ سانتیمتر و در سرصفحه و پا صفحه ۳/۵ سانتیمتر پهنا دارد. جدول‌کشی طرفین صفحات متن را از حاشیه جدا کرده است. آذینه حاشیه تماماً از گل و برگهای ختائی طلایی و نقوش اسلیمی و غنچه‌هایی با رنگ‌مایه‌های ملایم سبز و قرمز و آبی است که گرداگرد متن تنیده و ملاحظاتی خاص به آن بخشیده است. در حاشیه‌های صفحات ۹ و ۱۰ توضیحات و مهر شهود در آذینه‌های قابی شکل محصور شده‌اند، اما تذهیب‌کاری این دو صفحه، نسبت به صفحات دیگر، چه از نظر زیبایی و چه به لحاظ قوت و مهارت اجرا، جلوه کمتر دارد.

گوشه پایین اوراق عقدنامه تای مختصر سفت و سختی خورده تا، با ایجاد انحرافی اندک در اضلاع چهارگوش هر برگ نحوست تربیع باطل شود. (برای شرح مفصل درباره «نحوست تربیع» در اسناد ← شیخ‌الحکمایی، ص ۸۵-۹۴)

### متن عقدنامه

برای حفظ اصالت متن، رسم الخط و سطر بندی و صفحه‌بندی به همان صورت و ترتیب که در عقدنامه آمده نقل شده است. برای دقت بیشتر، آیات قرآنی در میان ﴿﴾ و تحمیدیه و احادیث در میان قلاب {} قرار گرفته‌اند. شماره صفحات عقدنامه و شماره سطور میان [ ] درج شده است.

[صفحهٔ اوّل]

(سرلوح)

(تسمیه)

[سطر ۱] بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(تحمیدیه)

الحمد لله الذي أحلّ النكاح و المهور بفضلہ العمیم  
و حرّم الزنا و الفجور بعدله و توعدّ علیه<sup>۲</sup> و بعد

[صفحهٔ دوم]

بهترین پیرایه که باعث آرایش اینصفيحه<sup>۳</sup> دل‌فزااست  
[سطر ۵] و سبب نگارش و پیراستگی اینحدیقه جانفزااست  
حمد و ثنای بزرگ یگانه و فرد یکتای بیهمتائی است  
که گوهر گرانبهای حضرت آدم ابوالبشر را بیماده نطفه  
از توده خاک و کتم عدم بعرصهٔ وجود و نشانه ظهور آورده

[صفحهٔ سوم]

و ذات مقدّس خود را ستایش فرمود کما قال تعالی  
[سطر ۱۰] و «لقد خلقنا الانسان فی احسن تقویم»<sup>۴</sup> و بتاج تکریم «و لقد  
کرّمنا بنی آدم و حملناهم فی البرّ و البحر»<sup>۵</sup> و بخلعت زیبای  
«و صوّرکم فأحسن صوّرکم»<sup>۶</sup> درآست  
«فتبارک الله احسن الخالقین»<sup>۷</sup> و تعالی «خلق

(۲) سپاس و ستایش خدایی راست که به فضل تمام خویش ازدواج و مهرها را حلال و به عدل خود زنا و بدکرداری را حرام کرد و از آن بیم داد.

(۳) «صفيحه» در چند معنی به کار رفته است؛ یکی از معانی آن «ورقه و یژه نقاشی جلد» است (← اشبیلی، نامهٔ بهارستان، ص ۱۶). هرچند به لحاظ معنایی این لغت در این معنی با دیگر کلمات متن همخوان است، اما به نظر می‌رسد همان «صحیفه» به معنای «ورق، برگ، کتاب، نامه» مد نظر بوده که به دلیل سهو قلم «صفيحه» نوشته شده است.

(۵) اسراء ۱۷: ۷۰

(۴) تین ۹۵: ۴

(۷) مؤمنون ۲۳: ۱۴

(۶) مؤمن / غافر ۴۰: ۶۴

[صفحه چهارم]

الانسان من طین<sup>۸</sup> و الصلوة و السلام على خير خلقه  
[سطر ۱۵] و اشرف بریتة و سید رسله و خاتم انبیائه  
محمّد المبعوث بالنبوة و المخصوص بالرّسالة المنعوت  
به خطاب {لولاک لما خلقت الافلاک}<sup>۹</sup> صلی الله  
علیه و علی آله و عترته و ذریته و لا سیما ابن

[صفحه پنجم]

عمّه و اخیه و وصیّه و خلیفته بلا فصل فی امته امیر  
[سطر ۲۰] المؤمنین و امام المتّقین و قدوه الصّالحین اسد الله  
الغالب مولانا علی ابن ابی طالب صلوات الله  
و سلامه علیه و علی اولاده المعصومین الائمة  
الطاهرین الطّیّبین الاقدسین المعصومین و لعنة الله

[صفحه ششم]

على اعدائهم من الأوّلین و الآخرین من الآن الى  
[سطر ۲۵] قیام يوم الدّین فکان من فضل الله تعالى على الأنام  
ان اغناهم بالحلال عن الحرام حیث احلّ لهم النکاح  
و رغّبهم فيه فقال تعالى شأنه و عزّ اسمه «وَ انکحُوا الایامی  
منکم و الصّالحین من عبادکم و امائکم

[صفحه هفتم]

إِنْ یَکُونُوا فُقَرَاءَ یُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ  
[سطر ۳۰] وَاسِعٌ عَلِیمٌ<sup>۱۰</sup> وَ قَالَ رَسُولُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ  
وَ آله وَ سَلَّمَ {النَّكَاحُ سُنَّتِي فَمَنْ رَغِبَ عَنِ

۹) خطاب خداوند به رسول اکرم: «اگر تو نبودی جهان را نمی آفریدم.»

۸) سجده ۳۲: ۷

۱۰) نور ۲۴: ۳۲

سُنَّتِی فلیس منّی<sup>۱۱</sup> علی کتاب الله تعالی و سنة رسوله و منهاج الائمة الطاهرین  
و ولایة اولیاء الله و البرائة من اعدائه در بهتر وقتی از اوقات و اسعد ساعات مقرون سعادات  
[صفحه هشتم]

و برکات عقد مناکحه دائمه شرعیه و مزواجه ابدیه ملیة اسلامیة جاریه و واقعه گردید فیما بین  
[سطر ۳۵] عالیجاه مجدت و سعادت همراه عزت جایگاه عمده الاخیار و فخرالتجار و الارکان  
خیرالحاج حاجی فرج الله تاجر  
زید عزه ساکن طهران ولد مرحمت پناه حاجی عبدالصمد تاجر سمنانی الاصل و علیجاه  
طهارت دستگاه خدارت جایگاه  
مخدوره البکر العاقله الرشیده المختاره معصومه خانم بنت صدق جناب مجدت نصاب  
عمده الاعیان و الارکان  
فخرالتجار و خیرالحاج حاجی نصرالله تاجر زید عزه بصادق معین معلوم  
دویست و پنجاه و پنج تومان [عدد به سیاق]

[صفحه نهم]  
که تفصیل آن اینست که دو جریب<sup>۱۲</sup> و دو قفیز<sup>۱۳</sup> و نیم بر حسب مساحت در تمام شش دانگ  
مساحت

[سطر ۴۰] شش جریب تقریباً از باغ ملکی متصرفی موروثی و پدری زوجمرقوم واقعه  
در علمدار و آب‌خور اصطخر  
محلّه ناسار<sup>۱۴</sup> سمنان بانضمام متعلقات شرعیه آن از ممر و مدخل و اعیان و عرصه و اشجار و

(۱۱) حدیث از رسول اکرم: «ازدواج سنت من است، پس هرکس از سنت من روی گرداند از من نیست.»  
(۱۲) جریب: واحد اندازه‌گیری مساحت زمین که مقدار آن در جاهای مختلف، متفاوت و از حدود ۱۰۰۰ تا ۳۶۰۰ مترمربع است (فرهنگ فشرده سخن)؛ مساحتی از زمین برابر ۱۰۰۰۰ مترمربع (فرهنگ فارسی معین).  
(۱۳) قفیز: واحد وزن، مسافت، سطح، و آب که در دوره‌ها و مکان‌های مختلف، اندازه آن متفاوت بوده است (فرهنگ فشرده سخن)؛ طبق قانون مصوب ۱۳۰۴ هـ.ش. یک قفیز = یک دکامترمربع (فرهنگ فارسی معین).

(۱۴) ناسار: از هفت محله معروف قدیمی شهر سمنان واقع در مرکز و شمال غربی شهر سمنان. از جاذبه‌های تاریخی و باستانی آن: حمام ناسار، آب‌انبار ناسار (نوحصار)، تپه تاریخی ناسار (نوحصار)، بقعه پیر

### جميع ما يضاف بها

بقدر الحصه الشايعة محدوده ذيل كه تقويم قيمت عادله حالتحرير از مقدار صداق دويست و دو تومان

حد / ملك علمدار شهره حد / آب‌خور محله ناسار / مشهور علمدار حد / باغ كربلايى ابراهيم حد / شارع و پنجهزار دينار است بوصف چرخى<sup>۱۵</sup> مظفرى دو هزارى فضى<sup>۱۶</sup> پنجعدد يكتومان و پنجاه تومان هم وجه نقد موصوف

[صفحه دهم]

كه نقدا تسليم مخدره گرديد و يكمجلد كلام مجيد كه هديه آن بيست و پنجهزار است و يا هر مقدار

[سطر ۴۵] باغ مرقوم را و كلام الله عندالمطالبه تفويض و تسليم مخدره نمايد علينا و دينا و

وقع و جرى

العقد الصحيح الشرعى مشتملا على الايجاب و القبول الشرعيين على الصداق المفصل

المستور فى يوم

[سطر ۴۷] پنجشنبه نوزدهم شهر ذى حجة الحرام من شهر سنه ۱۳۲۰

[محل مهر زوج (داماد) ← بخش «حواشى عقدنامه»]

[سطر ۴۸] (محل مهر يکى از شهود ← بخش «حواشى عقدنامه»)

### حواشى عقدنامه

تقريرات و مهر شاهدان عقد دركتيبه‌هاى ازپيش تعيين شده در حاشيه صفحات ۹ و ۱۰ عقدنامه و يك فقره هم در سطر ۴۸ آمده است. متأسفانه، برخى از مهرها كم‌رنگ يا

→ علمدار، کاروانسرای ناسار و تکیه ناسار در بازار سمنان مربوط به دوره قاجار که مورد اخیر در ردیف آثار ملی ایران به ثبت رسیده است (برای مطالعه بیشتر و مشاهده تصاویر ← شهرهای ایران شهر، ص ۲۷۴-۲۷۸؛ سیمای استان سمنان، ص ۱۷۹، ۲۱۷، ۲۸۱، ۲۹۴-۲۹۵، ۲۹۸، ۳۰۰-۳۰۱، ۵۸۲-۵۸۵، ۵۹۲-۵۹۳؛ آثار تاریخی سمنان، ۱۲۲-۱۲۴، ۱۵۷، ۲۱۰، ۲۱۲ و منابع اینترنتی).

(۱۵) چرخى: سکه ضرب ماشینی (در تقابل با سکه‌های چکشی یا ضربی) (← عقيلي، ص ۶۱-۶۲؛ شهبازی، ص ۱۵۰-۱۵۱).

(۱۶) فضی: نقره‌ای، ساخته شده از نقره، سیم‌گون (فرهنگ فشرده سخن).



ناقص نقش بسته‌اند و، در جاهایی نیز، دویدگی مرکب نقش مهر را مخدوش کرده است. این حالات، با عنوان [ناخوانا] مشخص شده‌اند. کلماتی که در صحت خواندن آنها تردید بود نیز در قلاب [ ] و با نشانه ؟ جلوی همان کلمه مشخص گشته‌اند.

(صفحه ۸، حاشیه بالا)

(احتمالاً خط سیاق) صحیح / مهر بیضی شکل به خط نستعلیق و سجع «[ناخوانا] علی»؛ (به سبب درهم تنیدگی نقش مهر و نگاره‌های گیاهی، سجع مهر و بخشی از نوشته ناخواناست).

(صفحه ۹، حاشیه بالا، کتیبه افقی)

بسم الله خير الاسماء / قد وقعت المناكحة الميمونه والمزوجه / المباركة الدائمة على الصداق المرقوم فی / فی شهر ذی حجه الحرام ۱۳۲۰ / مهر بیضی شکل ۲۲×۱۵ میلیمتری به خط نستعلیق و سجع «المتوکل [علی الله؟] [ناخوانا] محمد حسن بن محمد»؛ (مهر دو بار تکرار شده است ولی همچنان نیمه فوقانی آن ناخواناست).

(صفحه ۹، حاشیه راست، کتیبه عمودی بالا)

هو الله تعالی / وقع النكاح الدائم المبارك الميمون / على الصداق المسطور ايجابا و قبولا / فی يوم ۱۹ شهر ذی حجه ۱۳۲۰ / مهر بیضی شکل ۱۷×۱۲ میلیمتری به خط نستعلیق و سجع «الراجی محمود بن علی».

(صفحه ۹، حاشیه راست، کتیبه عمودی پایین)

اعترف بما رقم فيه لدی / مهر بیضی شکل ۱۲×۹ میلیمتری «[ناخوانا]».

(صفحه ۹، حاشیه پایین، کتیبه افقی)

الشهود مشهدی تراب علاف / مهر چهارگوش ۱۶×۱۵ میلیمتری به خط نستعلیق و سجع «المتوکل علی الله عبده تراب»؛

اعترف بما رقم / میرزا حسن عطار طهرانی / مهر بیضی شکل ۱۸×۱۰ میلیمتری به خط نستعلیق «[المتوکل؟] [ناخوانا] حسن [بن؟] محمد».

(صفحه ۱۰، حاشیه بالا، کتیبه افقی)

(خط سیاق) / مهر بیضی شکل ۱۴×۱۰ میلیمتری به خط طغرا و سجع «[عبده؟] الراجی

[علی؟] الحسینی؛ اعتراف بما رقم / (خطّ سیاق) / مُهر بیضی شکل ۱۹×۱۳ میلیمتری به خطّ نستعلیق و سجّع «عبدہ حسین الحسینی ۱۲۹۲ [ق]».

(صفحه ۱۰، حاشیہ چپ، کتیبه عمودی بالا)

قد وقع کما/کما (؟) رقم فيه لدی [خوانده نشد] / مُهر بیضی شکل ۱۴×۱۰ میلیمتری به خطّ نستعلیق «سلام علی ابراهیم»<sup>۱۷</sup>.

(صفحه ۱۰، حاشیہ چپ، کتیبه عمودی پایین)

اعتراف بما رقم فيه لدی / مُهر بیضی شکل ۱۴×۱۰ میلیمتری [تاخوانا آقا؟].

(صفحه ۱۰، متن عقدنامه، سطر پایانی)

مُهر زوج (داماد)، انتهای سطر آخر (۴۷) متن عقدنامه، ذیل تاریخ مُهر بیضی شکل ۱۹×۱۳ میلیمتری به خطّ طغرا و سجّع «عبدہ الراجی فرج اللہ».

(صفحه ۱۰، سطر آخر ۴۸)

الشهود کربلائی محمد حسن / مُهر بیضی شکل ۱۷×۱۲ میلیمتری به خطّ نستعلیق و سجّع «یا حسن التجاوز [۳/۱۳۰۳؟]»<sup>۱۸</sup>.

(صفحه ۱۰، حاشیہ پایین، کتیبه افقی)

اعتراف بما رقم فيه لدی / مُهر بیضی شکل ۱۶×۱۱ میلیمتری به خطّ نستعلیق و سجّع «قربانی کعبه وفا اسمعیل».

### مصالحه‌نامه پشت عقدنامه

در پشت آخرین برگ عقدنامه (صفحه بیاض) مصالحه‌نامه‌ای نیز ثبت گردیده است. این مصالحه‌نامه به تاریخ ۱۳۳۱ ق، یازده سال پس از وقوع عقد در زمان احمدشاه قاجار (۱۳۲۷-۱۳۴۴ ق)، در یک صفحه و ۱۷ سطر به خطّ شکسته نستعلیق نوشته شده است. شماره هر سطر در میان قلاب [ ] و در ابتدای همان سطر آمده است.

۱۷) برگرفته از قرآن، سوره صافات (۳۷)، آیه ۱۰۹

۱۸) یا حَسَنَ التَّجَاوُزِ: ای خوش‌گذشت، ای نیکو درگذرنده/ ای خدایی که از بدان به نیکویی درمی‌گذری (برگرفته از دعای «یا من اظهر الجمیل»، کلیات مفاتیح‌الجنان، باب چهارم، ص ۱۰۳۱).

[۱] بساعت بر تحریر اینکلمات شرعیه الدلالات آنکه چون دو جریب و دو قفیز و نسیم که ملک طلق مخدره مرقومه درظهر شده بود ازبابت صدق [۲] مخدره دراین تاریخ که مرقوم میشود مخدره حاضر شد درمحضر انور شرع مطاع و بموجب قباله جداگانه بصلح قطعی منتقل نمود بعالیجاه عزت همراه [۳] خیرالحاج حاجی عباس تاجر سمنانی خلفمرحوم کربلائی محمدحسن سمنانی بمبلغ یکصد و هفتاد و شش تومان و دو قران [و] یک عباسی [۴] که مبلغ مرقوم را مخدره ازوکیل ثابت الوکاله حاج مرقوم عالیجاه خیرالزائرین آقا مشهدی ابوالقاسم [زین ساز؟] [۵] خلفمرحوم مشهدی غلامرضای سمنانی اخذ و دریافت نمود و غب ذلک عالیجاه عمدهالتجار خیرالحاج [۶] حاجی فرج الله زوج مرقوم مخدره مصالحه صحیحیه شرعیه قطعیه جازمه لازمه ملیه اسلامیة نمود با زوجه مرقومه [۷] درظهر که [مسماة؟] ۱۹ است بمعصومه خانم همگی و تمامی دو دانگ مشاع از حصه و رسدی خود از چهار دانگ [۸] ازکل شش دانگ یکباب سراخانه ملکی مسکونی خود را بانضمام دو دانگ از حصه خود از چهار دانگ از [۹] ازدو باب دکان کبابی و دیزی پزی که متصل است بخانه خود و اصل خانه واقع است درخارج دروازه [۱۰] قدیم حضرت عبدالعظیم قرب حمام استاد کاظم و محدود است بحدود اربعه ذیل السطر با کافه و حدی/بخانه کربلائی حدی/بخانه نصرالله بیک حدی/بدکان خبازی حدی/[ایضاً؟] بدکان خبازی تمامه ملحقات [۱۱] شرعیه و عرفیه آن از ممر و مدخل و مجری المیاه و غیر ذلک بقدرالحصه الشایعه بر عوض و مال المصالحه بمبلغ معین القدر [۱۲] یکصد و هفتاد و پنجمتومان [عدد به سباق] وجه قران سفید تنکه ۲۰ که کلاً مقبوض فی المجلس گردید و اسقاط کافه خیارات متصوره [۱۳] سیما [الغبین و غبن الغبن؟] ۲۱ و لو کان فاحشاً بل افحش از طرفین شد و درضمن عقد خارج لازم ملتزم و متعهد گردید [۱۴] که چنانچه از تاریخ ذیل الی ماضی مدت پنجاه سال کامل هلالی دیگر کشف فسادی در صلح مرقوم شود [۱۵] [یا اینکه ماصولح عنه؟] ۲۲ مستحقاً للغير براید کلاً ام بعضاً عیناً ام منفعه بعلاوه خروج از [۱۶] عهده ما ظهر فساد از عهده غرامات و خسارات وارده بر متصالحه بهر اسم و رسم و هر قدر [۱۷] او مقدار که بوده باشد از یکتومان الی معادل مال المصالحه براید و کان ذلک فی هیجدهم شهر جمادی الاول ۱۳۳۱

(۱۹) به دلیل آب خوردگی واضح نیست، ولی چنین خوانده شد.

(۲۰) تنکه / تنگه: زر و سیم و مس مسکوک و رایج و پول نقد (لغت نامه دهخدا، ذیل «تنکه / تنگه»؛ قرص رایج از زر و سیم و مس (فرهنگ فارسی معین، ذیل «تنکه / تنگه»؛ همچنین ← شهبازی، ص ۸۲-۸۳؛ رابینو، ص ۱۷. (۲۱) به دلیل آب خوردگی واضح نیست، ولی چنین خوانده شد.

(۲۲) به دلیل آب خوردگی واضح نیست، ولی چنین خوانده شد.

## حواشی مصالحه‌نامه

(حاشیۀ چپ، مقابل سطرهای ۱۵ و ۱۶)

{مُهر بیضی‌شکل ۱۶×۱۲ میلیمتری به خط نستعلیق «[ناخوانا] فرج‌الله [۱۳۳۰؟]». (به نظر می‌رسد این مُهر متعلّق به حاجی فرج‌الله (زوج) باشد. این نقش مُهر که بنفش‌رنگ است با نقش مُهر زوج که یازده سال قبل از آن در متن عقدنامه آمده کاملاً تفاوت دارد.)

(حاشیۀ بالا، متمایل به راست، مورّب)

الامر كما رقم و سطر فيه حرره

{مُهر بیضی‌شکل ۱۶×۱۲ میلیمتری به خط نستعلیق «هاشم الحسینی [۱۳۰۵؟]».

(حاشیۀ بالا، متمایل به چپ، مورّب)

بسم الله تعالى / قد وقع الصلح عن ثلث الدار مع منضماتها على حسبما فصل لدى الاحقر الجاني / [مضاء:] محمد الحسینی الطهرانی فی ۱۹ ج ۱ سنه ۱۳۳۱  
{مُهر بیضی‌شکل ۱۶×۱۲ میلیمتری به خط نستعلیق «عبد محمد الحسینی».

(حاشیۀ راست، متمایل به بالا، مورّب)

قد وقع ما سطر فيه لدى حرره / الاحقر فی التاريخ  
{مُهر بیضی‌شکل ۱۶×۱۲ میلیمتری به خط نستعلیق و سجع «الراجی علی اکبر الحسینی».

(حاشیۀ راست، متمایل به پایین، مورّب)

بسمه تعالى / قد اعترف جناب حاجی فرج‌الله زید عزّه / بما رقم من البداية الى النهاية لدى حرره الاقل / فی ۲۲ شهر جمادی الاولی ۱۳۳۱ [مضاء:] مسیح الحسینی  
{مُهر بیضی‌شکل ۱۶×۱۲ میلیمتری به خط نسخ «مسیح الحسینی».

## ملاحظات زبانی و ادبی و رسم الخطی

به روش معمول زمان، نثر این عقدنامه آمیزه‌ای است از کلمات و ترکیبات فارسی و عربی با بار معنایی حقوقی منحصر به خود. امّا، پس از تحمیدیه در دیباجه که محل قلم‌فرسائی‌های ادیبانه است، کلام آشنای فارسی آن نثری آهنگین و دلنشین به خود می‌گیرد (← صفحات ۲ و ۳ عقدنامه، «متن عقدنامه»).

رسم الخطّ این سند، به سیاق متعارف کاتبان آن دوره، گرایش به پیوسته‌نویسی دارد، نمونه‌های آن است:

اینصفیحه (= این صفیحه)؛ بیهمتا (= بی‌همتا)؛ بیماده (= بی‌ماده)؛ بعرضه (= به عرصه)؛  
بتاج تکریم (= به تاج تکریم)؛ بخلعت زیبا (= به خلعت زیبا)؛ بصداق معین (= به صدق  
معین)؛ ششدانگ (= شش دانگ)؛ زوجمرقوم (= زوج مرقوم)؛ بانضمام (= به انضمام)؛  
پنجهزار (= پنج هزار)؛ پنجمدد (= پنج عدد)؛ یکتومان (= یک تومان)؛ یکمجلد (یک مجلد)؛  
اینکلمات (= این کلمات)؛ میشود (= می‌شود)؛ بموجب (= به موجب)؛ بصلح (= به صلح)؛  
بعالیجاه (= به عالیجاه)؛ بمبلغ (= به مبلغ)؛ خلفمرحوم (= خلف مرحوم)؛ یکباب (= یک  
باب)؛ بخانه (= به خانه)؛ بحدود (= به حدود)؛ بدکان (= به دکان)؛ پنجتومان (= پنج تومان)؛  
بهر اسم (= به هر اسم).

از حیث جمله‌بندی، متن عقدنامه، به شیوۀ قدما و شاید هم به ملاحظات حقوقی و  
ضرورت انسجام مطلب، در جملات مرکب و همپایۀ بسیار بلند انشا شده است. همچنین  
افراط و اغراق در کاربرد القاب و عناوین تا آنجا پیش رفته که گاه فقط سه سطر و نیم  
از متن را دربر گرفته است. القاب و عناوینی به شرح زیر در این عقدنامه آمده‌اند:

القاب و عناوین زوج و پدران زوجین  
خیرالحاج، زید عزه، عالیجاه، عزت جایگاه، عمده‌الاخیار، عمده‌الاعیان و الارکان، فخرالتجار  
و الارکان، مجدّت نصاب، مجدّت و سعادت همراه، مرحمت پناه.  
القاب و عناوین و صفات زوجه  
خدارت جایگاه، (بنت) صدق، طهارت دستگاه، علیجاه، مخدره، البکر، الرشیده، العاقله،  
المختاره.

## منابع

### قرآن کریم

اشبیلی، بکر بن ابراهیم، التّیسیر فی صناعة التّفیسیر، ترجمۀ محمد آصف فکرت، نامۀ بهارستان، سال اوّل، ش ۲،  
دفتر دوم، ۱۳۷۹.

انوری، حسن، فرهنگ فشرده سخن، انتشارات سخن، تهران ۱۳۸۲.

بنی اسدی، علی، سیمای استان سمنان، ج ۱، دفتر امور اجتماعی و انتخابات استانداری سمنان، سمنان ۱۳۷۴.

جدی، محمدجواد، مَهر و حکاکِی در ایران، فرهنگستان هنر، تهران ۱۳۸۷.

جواهری، مریم، پژوهشی در عقدنامه‌های ازدواج دوره قاجار، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، مشهد ۱۳۹۵.

حبیبی، حسن، «توصیف و تحلیل جامعه‌شناختی و مردم‌شناختی اسناد ازدواج و طلاق محضر خندق‌آبادی‌ها»، جشن‌نامه استاد اسماعیل سعادت، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران ۱۳۸۷.  
—، شهرهای ایرانشهر، جلد ششم، بنیاد ایران‌شناسی، تهران ۱۳۹۱.  
شکوهی، فرهنگ، جوزف و مشاغل قدیم مردم سمنان و کشور، انتشارات حبله‌رود، سمنان ۱۳۹۱.  
شهبازی فراهانی، داریوش، تاریخ سکه (دوران قاجاریه)، نشر پلیکان، تهران ۱۳۷۸.  
شیخ‌الحکمایی، عمادالدین، «نحوست تربیع و تجلی این باور در اسناد دوره اسلامی ایران»، نامه بهارستان، سال ۸ و ۹، ش ۱۳ و ۱۴ (۱۳۸۶-۱۳۸۷).  
عقیلی، عبدالله، پول و سکه، مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی (مرکز پژوهش‌های ایرانی و اسلامی)، تهران ۱۳۸۹.

قباله‌های ازدواج سده‌های سیزدهم و چهاردهم هجری قمری، موزه نگارستان، تهران ۱۳۵۵.  
قمی، شیخ عباس، کلیات مفاتیح‌الجنان، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای، چ ۴، انتشارات اسوه، تهران ۱۳۸۵.  
لغت‌نامه‌دهخدا.

مخلصی، محمدعلی، آثار تاریخی سمنان، بی‌نا، ۱۳۵۶.

معین، محمد، فرهنگ فارسی، امیرکبیر، تهران ۱۳۷۱.

Rabino, H. L. (1945), *Coins, Medals, and Seals of the Shahs of Iran (1500-1941)*, London.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



تصویر دو صفحه از عقدنامه، ۱۳۲۰ ق (اصل عقدنامه در اختیار نگارنده است)